

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی: زنان ۱۸ تا ۳۹ سال شهرستان لامرد)

سید احمد هاشمی^{۱*}

چکیده

مشارکت سیاسی زنان یکی از موضوعات مهمی است که در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی و سیاسی به آن توجه خاص می‌شود. این مطالعه بر آن است که به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان بپردازد و دلایل استقبال محدود زنان ایرانی را در عرصه مشارکت سیاسی کشور بررسی کند. تحقیق مذکور با استفاده از روش توصیفی و به شیوه پیمایشی انجام گرفت. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی زنان شهرستان لامرد در گروه سنی ۱۸-۳۹ به تعداد ۳۴۲۲ نفر بود که با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۴۳ پاسخ دهنده‌گان نهایی پژوهش را تشکیل دادند. جهت جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید متخصصان قرار گرفت و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ /۸۲، محاسبه شد. هم‌چنین با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی به وسیله نرم افزار SPSS نتایج داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های و نتایج تحقیق حاکی از آن بود که (وضعیت تأهل، اعتماد سیاسی، خانواده سیاسی، میزان تقید مذهبی، تمایل به کسب قدرت و مقام) در مشارکت سیاسی زنان مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، خانواده سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، پایگاه اجتماعی.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، گروه علوم تربیتی لامرد، ایران

مقدمه

در روند تحول در الگوهای زندگی، پدیده «مشارکت سیاسی» به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای است. در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی عبارت است به درگیر شدن توده‌های مردم در فعالیت سیاسی و تعیین سرنوشت خود و تنها از این رهگذر است که زمینه‌های ثبات و پایداری نظام سیاسی تحقق می‌یابد. پیشرفت سریع تکنولوژی مبنا و پایه اصلی تحولات در عرصه‌های گوناگون زندگی در جهان امروز است. علم و نوآوری مبتنی بر دانش عمدتاً جایگزین منابع فیزیکی در ایجاد فناوری‌های نوین خواهد بود؛ مشروط بر آنکه توسعه سرمایه انسانی و سازماندهی و بهره‌گیری از آن در اولویت قرار گیرد (Warren, 2002:36). بشر با تجمع و تشکیل جامعه بستری برای ایجاد امنیت و فعالیت و تلاش در وادی اجتماعی ایجاد نموده است که باعث می‌گردد همه‌ی افراد جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی به صورت گسترده امکان فعالیت و تلاش داشته باشند. وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است، و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیش‌تری آن را در می‌یابند (Miller, Wilford, & Donoghue, 2006).

دفتر توسعه انسانی سازمان ملل متحد در آخرین گزارش خود (۲۰۰۹)، اقدام به تهیه گزارشی از اقدامات کشورهای تحت مطالعه پیرامون میزان پایبندی و اهتمام دولت‌ها در زمینه‌ی تحقق اهداف برنامه‌های توانمندسازی جنسیتی نموده که در آن به میزان مشارکت و دخالت زنان در سیاست توجه ویژه‌ای شده است. بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیقات انجام گرفته در کشورهای خاورمیانه، حضور زنان در عرصه سیاسی و نیز مشارکت سیاسی آنان نسبت به مردان پایین بوده است که دلایل آن، بسیار و شاید مهم‌ترین آنها مردسالارانه بودن ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه و هم‌چنین محدودیت‌های عرفی و شرعی باشد که مانع از حضور پررنگ و چشمگیر زنان در عرصه‌های گوناگون می‌شود و مهم‌تر از همه طرز نگرش جامعه نسبت به حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف، میزان مشارکت زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Bishgahi fard & Zohdi, 2010: 25-44). بر همین اساس، ایران از حیث مشارکت زنان در مدیریت وضع مطلوبی ندارد.

این نکته نیز حائز اهمیت است که شکل‌گیری هر نوع رفتاری نیازمند کسب شناخت و یادگیری در مورد آن است؛ ولی هر یادگیری، الزاماً منجر به بروز رفتار نخواهد شد. پارسونز در بحث اجتماعی شدن افراد می‌گوید: انسان در بخش ارگانیک سه گرایش خام دارد. گرایش ادراکی که ناظر به شناخت است، گرایش ارزیابی که به خوب و بد ارزش‌ها می‌رسد و گرایش هنجاری که بایدها و نبایدها را تعیین می‌کند. وقتی ارگانیک با فرهنگ برخورد می‌کند، این گرایش‌های خام شکل می‌گیرد و نظام شخصیتی را بوجود می‌آورد و از این به بعد، نظام شخصیتی، فرد را به سوی

هدف می‌راند و موجب کنش اجتماعی می‌شود. ازبرآیند کنش‌های اجتماعی، نظام اجتماعی شکل می‌گیرد که بیانگر یگانگی، وفاق، مشارکت حقیقی افراد باهم و اعتماد آنها به یکدیگر است و فرد در این سیستم اجتماعی می‌شود.

عدم انگیزه مشارکت زنان گاهی ناشی از وجود اندیشه‌ها و باورهای نادرست در جامعه‌ی سنتی ما در مورد توانایی‌ها و استعداد‌های بالقوه زنان می‌باشد که به عنوان عامل فرهنگی مدنظر است. این نگرش‌های منفی و تعصب آمیز، زنان را افرادی ضعیف، عاطفی و فاقد اعتماد به نفس می‌پندارد و مانع بروز شایستگی آنها می‌شود. در واقع همین پیشداوری‌ها از سوی دیگر موجب می‌شود آنها تنها در حوزه‌ی خانه و خانواده فعالیت نمایند و برای حضور در حوزه‌ی عمومی با چالش‌های فراوان روبرو شوند و نتوانند به فعالیت اساسی خود بپردازند (Freytes frey & Crivelli Citing Mohseni et al , 2013).

مشارکت افراد در امور سیاسی به عنوان یک رفتار، در قدم اول نیازمند کسب اطلاع، ایجاد شناخت و یادگیری در خصوص اهمیت و چگونگی آن می‌باشد؛ ولی هر کسی که شناخت اولیه‌ای درباره مشارکت سیاسی کسب کرد، ضرورتاً دست به این کار نخواهد زد، چرا که زنجیره بروز رفتاری ویژه، مانند مشارکت سیاسی، اساساً نیاز به در نظر گرفتن مهارت‌هایی است که افراد دارند و نیز منابع در دسترس آنان دارد.

در قالب رویکرد مدرنیزاسیون، به اعتقاد هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این فرایند از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نخست از طریق تحرک اجتماعی است. کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت کرده و نگرش او را نسبت به توانایی‌اش در تاثیر نهادن بر تصمیم‌گیری مساعد می‌سازد. این نگرش‌ها، زمینه مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. در این حالت، منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا بی‌قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت موثر می‌افتد.

بدین منظور از دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان جامعه که پیش از این از نظرها پنهان بود؛ در توسعه کشور و محل زندگی داشت، زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (Orum, 2004).

در خانواده، والدین، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی‌شان را از طریق بحث و گفتگو در منزل به فرزندان‌شان انتقال می‌دهند و به این صورت علاقه یا بی‌علاقگی خود را نسبت به مسائل سیاسی ابراز می‌کنند. مدرسه، دوستان و همکلاسی‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز از طریق ارائه اطلاعات و تفسیر پیرامون دنیای سیاسی بر تفکر و رفتار سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند و فرد از نظر سیاسی آنگونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن بسر می‌برد.

کولی معتقد است که کنش‌های فرد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی می‌باشد که به آنها تعلق دارد و این وابستگی گروهی است که نحوه واکنش فرد در قبال مسائل سیاسی را تعیین می‌کند و در واقع رفتار فرد در پاسخ به فشارها و انتظارات اجتماعی که از سوی دوستان و خانواده بر وی وارد می‌شود، صورت می‌گیرد. بنابراین دیدگاه، افراد آنگونه می‌اندیشند که در آن به سر می‌برند. امروزه نرخ مشارکت زنان روندی فزاینده داشته است و از مهم‌ترین دلایل این افزایش را می‌توان در افزایش سطح تحصیلات زنان عنوان کرد. علاوه بر این عامل، افزایش سطح تحصیلات غالباً موجب بالا رفتن سن ازدواج و کاهش نرخ زاد و ولد گردیده که این موارد مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را تشدید نموده است و با توجه به این موارد پیش بینی می‌شود که در سال‌های آینده نرخ مشارکت زنان و عرضه کار آنان همچنان از روندی فزاینده برخوردار شود؛ که این امر باعث رشد توسعه اقتصادی کشور می‌گردد (Renzenti & Curran, 1989).

اگر جامعه‌ی مدنی را فضایی بدانیم که فضیلت مدنی، شهروندی و مشارکت از مؤلفه‌های اساسی آن به شمار می‌روند (Parry & Moyser, 2002). این مفاهیم معرف نوعی رابطه‌ی سیاسی، اجتماعی و حقوقی میان افراد جامعه و قدرت سیاسی است که تحقق این مفاهیم در جهان معاصر ملاک مهمی در مشروعیت حکومت‌های دموکراتیک است (Sheiani, 2005). مشارکت در زندگی تا بدان اندازه اهمیت دارد که ارسطو آن را محور «زندگی سیاسی» قرار داده است و شهروند را کسی می‌داند که از حق مشارکت در امور سیاسی برای اولین بار از حدود دویست سال قبل، از طریق حق رأی صرفاً برای مردان، در جوامع باختری رواج یافت، اما مشارکت زنان در سیاست با تأخیری صد ساله آغاز شد (Turner, 2000).

شناخت عوامل مؤثر بر فعالیت‌های سیاسی زنان بدلیل این که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و باید به نسبت جمعیت خود در سیاست حضور داشته باشند و مشارکت خود زمینه‌های مختلف فرآیند توسعه را تسریع بخشند، امری لازم و به جا است (Sharif, 2002). این واقعیتی است که زنان صرف نظر از فضای فرهنگی و اجتماعی که در آن به سر می‌برند؛ مشکلات مشترک زیادی دارند. محدودیت اعتماد به نفس و تلقی منفی از خود داشتن و سایر عوامل روان شناختی که ناشی از شرایط جامعه اند، هم بخشی از مشکلات زنان در زمینه مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دهند. برای شناسایی و رفع موانع مشارکت زنان مناسب‌ترین کسانی که قادر به حل مشکلات و

مسائل مرتبط می‌باشند، خود زنان هستند (Lipset, 1998). تقید به دین، تاثیر خانواده در ایجاد بینش سیاسی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی (میزان تحصیلات، میزان درآمد، شغل)، تمایل به قدرت و مقام، وضعیت تأهل، اعتماد سیاسی، از جمله عوامل موثر می‌باشد. برنامه ریزان نیروی انسانی باید با دخالت دادن زنان در امور مختلف جامعه از حداکثر استعدادها و توانایی‌های زنان در امور مختلف جامعه از حداکثر استعدادها و توانایی‌های زنان بهره برداری کنند. دور ساختن زنان چه از سوی عوامل بیرونی یا درونی از دانش سیاسی به بهانه تندی آثار مثبت همیاری اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از این رو ضرورت تقویت مشارکت سیاسی زنان یک موضوع سرنوشت سازی برای توسعه اجتماعی کشور بشمار می‌رود، که هر چه روی آوری به آن کندتر و شکل ایجاد آن ناقص‌تر باشد تاریخ توسعه کشور به تأخیر می‌افتد. آن گونه که شاید با از میان رفتن وقت طلایی هیچ وقت حاصل نمی‌شود (Ling yang, 2000). در هر صورت نادیده گرفتن نیازها، خواسته‌ها و مطالبات زنان به نفع توسعه جامعه ما نخواهد بود با توجه به رشد حضور دختران در مراکز آموزش عالی و مجامع علمی می‌بایست زمینه‌های حضور آنان را در عرصه‌های سیاسی- اقتصادی و اجتماعی فراهم آورد.

بر این اساس با توجه به آنچه بیان شد و ذکر این نکته که مشارکت سیاسی زنان در کشورهای در حال توسعه و بسیج آنها در قالب مشارکت سازمان یافته در فرآیند توسعه‌ی پایدار جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند راهگشاری بسیاری از مشکلات جامعه باشد. زنان در شهرستان لامرد نیز با توجه به توسعه‌ی نگرش‌های سیاسی و نیاز به رشد حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی با توجه به پتانسیل جمعیتی موجود زنان و اثراتی زیادی که می‌توانند بر پیشرفت این شهرستان داشته باشد و هم‌چنین زمینه‌ی توسعه سیاسی و نقش آفرینی آنان را در عرصه‌های مهم اجتماعی فراهم سازد و هم‌چنین خارج شدن نوع تفکر سنتی حاکم بر خانواده‌ها در این شهرستان و ایجاد تفکری منتهی به حضور فعال و سهمیم شدن زنان در فعالیت‌های سیاسی و سهمیم شدن؛ این تحقیق به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان در شهرستان لامرد می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

براری و همکاران (Barari et al, 2012)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های مردم نهاد بر پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان سرپرست خانوار در شهر تهران به این نتیجه رسید که زنان عضو در سازمان‌های مردم نهاد به طور معناداری از پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتر، دسترسی به امکانات رفاهی بیش‌تر و رضایتمندی از بیش‌تر از زندگی برخوردارند و نسبت به توانایی خود نگرش بهتری دارند.

مختاری و همکاران (Mokhtari et al, 2012)، با روش پیمایشی به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر امنیت اجتماعی پرداخته است. نتایج نشان داد که یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، میان افراد مجرد و متأهل، میان لرها و سایر اقوام و... از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. همچنین، رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، نگرش نسبت به عملکرد پلیس و متغیر وابسته میزان احساس امنیت اجتماعی دیده شد.

میرزایی و دیگران (Mirzaei et al, 2011)، با روش پیمایشی و اسنادی به بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر ایلام پرداخت و حجم نمونه ۳۱۰ نفر را انتخاب نمود. نتایج پژوهش نشان داد که حمایت خانواده و اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر بسزایی دارد و آزمون دو متغیره نوع حمایت سازمانی و امنیت اجتماعی را تأیید می‌نماید.

تحقیقی تحت عنوان بررسی این عوامل اجتماعی اقتصادی دانشجویان در نوع نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان انجام گردید. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه شیراز بوده که از طریق نمونه گیری طبقه‌ای خوشه‌ای تصادفی تعداد ۵۹۹ نفر از آنان انتخاب شدند که پرسشنامه تهیه شده را تکمیل نمودند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دانشجویان زن نگرش مثبت‌تری درمورد مشارکت سیاسی زنان دارند تا دانشجویان مرد (2007, panahi).

براساس تحقیق انجام یافته توسط پناهی (panahi, 2007)، بر روی مشارکت سیاسی زنان، از نظر فعالیت‌های سیاسی، ۵۶ درصد زنان، فقط یک‌بار در طول چهار سال در انتخابات رأی داده بودند، اکثریت شان علاقه چندانی به سیاست نداشته و کمتر در گفتگوهای سیاسی شرکت می‌کردند. ۶۳ درصد پاسخگویان در دو سال گذشته در هیچ نوع راهپیمایی و تظاهرات شرکت نکرده و فقط حدود ۵ درصد در یک سازمان سیاسی عضویت فعال یا غیرفعال داشتند و میزان مشارکت سیاسی واقعی اکثریت قریب به اتفاق زنان در سطح پایینی بوده است (۴۱ درصد مشارکت سیاسی پایین، ۵۳ درصد مشارکت متوسط و ۶ درصد مشارکت بالا) و ۷۵ درصد از زنان نیز، خود را غیر فعال قلمداد کرده‌اند. از سوی دیگر، بر طبق نتایج این تحقیق، گرایش سیاسی دوستان و والدین تأثیر کمی بر مشارکت سیاسی زنان داشته است.

نتایج بدست آمده از تحقیق پناهی بر روی مشارکت سیاسی زنان تهرانی، تأثیر نگرش سیاسی بر مشارکت سیاسی را تأیید نمی‌کند. یکی از موضوعات مطرح در جامعه ما، وجود خیل افراد بی تفاوت و یا مردد می‌باشد که نگرش منفی و یا مثبت خود را بروز نمی‌دهند و یا دارای گرایش سیاسی خاصی نیستند و یا آگاهی سیاسی بسیار پایینی دارند.

در مراکز شهری استان اصفهان تحقیقی به تحت عنوان مشارکت سیاسی زنان انجام داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان ۳۹-۲۰ ساله ساکن در مراکز شهرستان‌های استان بوده است. حجم جامعه نمونه ۱۹۱۰ نفر که بصورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند و از مهمترین یافته‌های این تحقیق آن است که سطح مشارکت سیاسی در بین زنان مورد مطالعه بسیار پایین بوده است. بیش از ۸۰ درصد از افراد مورد مطالعه در فاصله مشارکت سیاسی (خیلی کم تا مشارکت سیاسی در سطح متوسط پایین) قرار می‌گیرند (ketabi, 1996).

ترنر (Turner, 2000)، در مورد شرکت در انتخاب به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت سیاسی در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، شهرنشینان بیش از روستائیان، متأهلین بیش از مجردین، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان‌ها هستند از افرادی که عضویت ندارند در انتخابات شرکت می‌کنند.

در تحقیقی که در مرکزیک درباره فعالیت‌های سیاسی زنان انجام شد، نتایج نشان داد که زنان در فعالیت‌های سیاسی به نحو مؤثری شرکت می‌کنند و خود را در تعیین سرنوشت کشورشان با دیگران شریک می‌دانند (Basset, 2001).

در تحقیقی که بر روی ۲۲۰ زن فعال سیاسی در ترکیه انجام شد زنان سیاسی در خانواده‌های خود با مشکلات فراوانی چون استرس زیاد به علت ایجاد تعادل بین زندگی خانوادگی و فعالیت سیاسی و انتظارات بالای اعضای خانواده و جامعه مواجه بودند. اما به هر حال این زنان معتقد بودند که فعالیت سیاسی اثر مثبتی در زندگی آنان دارد (Ling yang, 2000).

نتایج تحقیقات درباره‌ی مشارکت سیاسی زنان در روسیه نشان داد که وجود مسئولیت مضاعف و تضاد نقش برای زنان روسی باعث شده است تا آنها نتوانند در فعالیت‌های سیاسی به اندازه‌ی مردان مراحل پیشرفت را طی کنند. حضور نامتناسب آنها در پست‌های سیاسی اغلب سطح پائین بیانگر این موضوع است (Barbara, 2003).

سؤالات تحقیق :

- سؤال شماره ۱: آیا وضعیت تأهل زنان در میزان مشارکت سیاسی آنان مؤثر است ؟
- سؤال شماره ۲: آیا سطح تحصیلات زنان در میزان مشارکت سیاسی زنان مؤثر است ؟
- سؤال شماره ۳: آیا سن زنان در میزان مشارکت سیاسی آنها مؤثر است ؟
- سؤال شماره ۴: آیا اعتماد سیاسی زنان در مشارکت سیاسی آنها مؤثر است ؟
- سؤال شماره ۵ : آیا وضعیت سیاسی خانواده‌ها در مشارکت سیاسی زنان مؤثر است ؟
- سؤال شماره ۶: آیا تقید مذهبی در میزان مشارکت سیاسی زنان مؤثر است ؟
- سؤال شماره ۷: آیا اعتماد به نفس در میزان مشارکت سیاسی زنان مؤثر است ؟

روش شناسی تحقیق

این تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی زنان شهرستان لامرد در گروه سنی ۱۸-۳۹ به تعداد ۳۴۲۲ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۴۳ پاسخ دهندگان نهایی پژوهش را تشکیل دادند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها:

به منظور جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. بر این اساس برای هر سؤال پژوهشی چندین سؤال پرسشنامه‌ای ساخته شد که با توجه به بررسی دیدگاه متخصصان سؤالات نامناسب حذف گردید و در پایان تعداد ۳۴ سؤال به عنوان سؤالات نهایی پرسشنامه بر مبنای مقیاس لیکرت تهیه گردید. روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار متخصصان قرار گرفت و پایایی آن با دست از آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲ محاسبه گردید.

روش تجزیه و تحلیل:

برای توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه از آمارهای توصیفی و جدول سازی، نمودار، انحراف استاندارد و غیره استفاده شده است و جهت معنادار بودن ارتباط بین متغیرها با توجه به سطح سنجش هر یک از آنها از آزمونهای T تفاوت میانگین‌ها و همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق:

الف) یافته‌های توصیفی:

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی زنان مورد مطالعه بر حسب میزان مشارکت سیاسی

میزان مشارکت سیاسی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پایین	۵۸	۱۶/۹	۱۶/۹
متوسط	۱۹۶	۵۷/۱	۷۴/۱
بالا	۸۹	۲۵/۹	۱۰۰/۰
کل	۳۴۳	۱۰۰/۰	

همچنان که در جدول شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود بیش‌ترین میزان مشارکت سیاسی با ۵۷/۱ درصد مربوط به طبقه متوسط است.

سؤال شماره ۱: آیا وضعیت تأهل زنان در میزان مشارکت سیاسی مؤثر است؟

جدول شماره ۲. مشارکت سیاسی بر حسب وضعیت تاهل

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	T	معنی داری
مجرد	۱۸۷	۱۳.۵	۳.۸	۲.۴	۰.۰۱۹
متاهل	۱۵۶	۱۲.۵	۳.۶		

جدول شماره ۲ نتایج بررسی تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان را نشان می‌دهد. میزان میانگین‌ها حاکی است که میانگین مشارکت سیاسی برای گروه مجردان (۱۲.۵) کمتر از مقدار آن برای زنان متأهل (۱۳.۵) شده است. تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T با مقدار ۲.۴ و سطح معنی‌داری ۰.۰۱۹ Sig= بیانگر این است که با ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معنی‌داری بین زنان مجرد و متأهل از نظر میزان مشارکت سیاسی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که وضعیت تأهل در مشارکت سیاسی زنان مؤثر است. نتیجه این تحقیق با تحقیقات پناهی (۱۳۸۰) در خصوص این متغیر هماهنگی دارد.

سؤال شماره ۲: آیا سطح تحصیلات در میزان مشارکت سیاسی زنان مؤثر است؟

جدول شماره ۳. میزان مشارکت سیاسی در بین زنان بر حسب میزان تحصیلات آنها

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	DF	سطح معنی‌داری
راهنمایی	۴۳	۱۳.۵	۴.۵	۰.۵۶	۳	۰.۶۴۰
دیپلم	۱۷۴	۱۳.۱	۳.۳			
کارشناسی	۱۱۲	۱۲.۸	۳.۹			
کارشناسی ارشد	۱۴	۱۳.۸	۵.۱			
کل	۳۴۳	۱۳.۱	۳.۸			

جدول شماره ۳ نتایج بررسی تفاوت میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان را بر حسب سطح تحصیلات آنها نشان می‌دهد. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب می‌باشد که میزان مشارکت سیاسی کسانی که دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده است، بیش‌تر از بقیه افراد می‌باشد. همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد این روند، حالتی تقریباً نزدیک به هم دارد، یعنی با افزایش سطح تحصیلات، میزان مشارکت سیاسی تغییری را نشان نمی‌دهد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های گروه‌های مختلف در مورد میزان مشارکت سیاسی، بر اساس آزمون F با مقدار ۰.۵۶ و سطح اطمینان ۹۵ درصد (Sig=۰.۶۴۰)، معنی‌دار نمی‌باشد، نتایج نشان می‌دهد که تحصیلات تأثیر زیادی در مشارکت سیاسی زنان ندارد و زنان در گروه‌های تحصیلی مختلف مشارکت سیاسی نزدیک بهم دارند و نتیجه این تحقیق با تحقیق وارن (Warren, 2002)، در خصوص این متغیر هماهنگی دارد.

سؤال شماره ۳: آیا سن زنان در میزان مشارکت سیاسی آنها مؤثر است؟
جدول شماره ۴. ضریب همبستگی متغیر سن و میزان مشارکت سیاسی

Sig	R	متغیرها
۰.۹۴۴	۰.۰۰۴	سن میزان مشارکت سیاسی

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی بسیار ضعیفی ($R=0.004$) بین سن زنان و میزان مشارکت سیاسی آنها وجود دارد. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig=0.944$ رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار نمی‌باشد. نتایج بررسی این سؤال پژوهش نشان می‌دهد که سن زنان در مشارکت سیاسی آنان تأثیر زیادی ندارد و با افزایش سن تأثیر در مشارکت سیاسی زنان ملاحظه نمی‌گردد. نتیجه این تحقیق با تحقیقات پناهی (۱۳۸۰) و وارن (Warren, 2002) در خصوص این متغیر هماهنگی دارد.

سؤال شماره ۴: آیا اعتماد سیاسی زنان در مشارکت سیاسی آنها مؤثر است؟
جدول شماره ۵. ضریب همبستگی متغیر اعتماد سیاسی و میزان مشارکت سیاسی

Sig	R	نام متغیرها
۰.۰۰۰	۰.۵۴	اعتماد سیاسی میزان مشارکت سیاسی

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی مستقیم و بالایی ($R=0.54$) بین میزان اعتماد سیاسی زنان و میزان مشارکت سیاسی آنها وجود دارد. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig=0.000$ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد، نتایج بررسی این سؤال پژوهشی نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی زنان در مشارکت سیاسی آنان مؤثر است نتایج نشان می‌دهد که اعتماد نه تنها به شکلی مستقیم بر روی انواع خاصی از مشارکت سیاسی اعمال نفوذ می‌کند، بلکه آن به طور غیر مستقیم نیز از طریق تسهیل انتقال منابع شبکه های اجتماعی و کمک به ایجاد هنجارهای روابط متقابل و تعهد مشترک در درون سازمان‌های داوطلبانه بر مشارکت سیاسی زنان تأثیر می‌گذارد.

سؤال شماره ۵: آیا وضعیت سیاسی خانواده‌ها در مشارکت سیاسی زنان مؤثر است؟
جدول شماره ۶. ضریب همبستگی متغیر وضعیت سیاسی خانواده و میزان مشارکت سیاسی

Sig	R	نام متغیر
۰.۰۰۰	۰.۴۶	وضعیت سیاسی خانواده میزان مشارکت سیاسی

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی مستقیم و نسبتاً قوی ($R=0.46$) بین وضعیت سیاسی خانواده و میزان مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig=0.000$ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد، نتایج بررسی این سؤال پژوهشی نشان می‌دهد که وضعیت سیاسی خانواده‌ها در مشارکت سیاسی آنان مؤثر است و تأثیر افراد خانواده بر یکدیگر در ایجاد مشارکت سیاسی زنان تأثیر زیادی دارد. نتیجه این تحقیق با تحقیق پناهی (۱۳۸۰)، در خصوص این متغیر هماهنگی دارد.

سؤال شماره ۶: آیا تقید مذهبی در میزان مشارکت سیاسی زنان مؤثر است؟

جدول شماره ۷. ضریب همبستگی متغیر میزان تقید مذهبی و میزان مشارکت سیاسی

نام متغیر	R	Sig
میزان تقید مذهبی	۰.۲۶	۰.۰۰۰
میزان مشارکت سیاسی		

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی مستقیم ($R=0.26$) بین میزان تقید مذهبی و میزان مشارکت سیاسی زنان وجود دارد. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig=0.000$ رابطه فوق با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد، نتایج بررسی این سؤال پژوهشی نشان می‌دهد که تقید مذهبی در مشارکت سیاسی زنان مؤثر است و خانواده‌های مذهبی مشارکت سیاسی بالاتری دارند و تلاش می‌نمایند که تأثیر بیش‌تری در اجتماع داشته و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را انجام دهند.

سؤال شماره ۷: آیا اعتماد به نفس در میزان مشارکت سیاسی زنان مؤثر است؟

جدول شماره ۸. ضریب همبستگی متغیر میزان اعتماد به نفس و میزان مشارکت سیاسی

نام متغیر	R	Sig
اعتماد به نفس	۰.۱۰۱	۰.۰۶۱
میزان مشارکت سیاسی		

بر اساس نتایج حاصله، همبستگی مستقیم و ضعیفی ($R=0.101$) بین میزان اعتماد به نفس زنان و میزان مشارکت سیاسی آنها وجود دارد. در مورد معنی دار بودن رابطه فوق با توجه به مقدار $Sig=0.061$ رابطه فوق با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار نمی‌باشد، نتایج بررسی این سؤال پژوهشی نشان می‌دهد که اعتماد به نفس در مشارکت سیاسی زنان مؤثر نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مورد شهرستان لامرد انجام شد. بر این اساس رویکردی مبتنی بر عوامل اجتماعی و با استفاده از عناصری از رهیافت‌های جامعه‌شناسی- روان‌شناسی- سیاسی، نظریه‌هایی تلفیقی ارائه و بر اساس آنها سؤالات تحقیق مطرح گردید. یافته‌های توصیفی حکایت از آن دارند که بیش‌ترین مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی به رأی دادن خلاصه می‌شود. در مرحله بعد شرکت در راهپیمایی‌ها و تشویق دیگران به رأی دادن به نفع کاندیدای خاص یا فاصله زیاد از رأی دادن قرار می‌گیرند. سایر فعالیت‌های سیاسی در مراحل بعد قرار می‌گیرند. نتایج یافته‌های استنباطی تحقیق نشان دهنده آن بودند که با توجه به بحث‌های پیشین مشارکت سیاسی فعالانه و مثبت زنان در شرایط فعلی کمتر می‌باشد.

از سوی دیگر مطالعات پیشین نشان داده است که اگر چه ایران از پیش از انقلاب تحت تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی قرار گرفته است اما برخی از ابعاد این عوامل همچون جامعه‌پذیری سیاسی و به ویژه عوامل اقتصادی زنان و دختران را بیش‌تر تحت تأثیر قرار داده است به بیان دیگر افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد مذهبی‌تر و دارای اعتماد بیش‌تری به ارکان سیاسی کشور هستند و افراد مجرد نیز به دلیل دنیاگرا بودن (سکولار بودن) کمتر در مشارکت سیاسی در فضای موجود رغبت نشان می‌دهند.

همچنان که احتمال آن پیش‌بینی می‌شد، بیش‌ترین رابطه از بین متغیرهای مستقل مربوط به تقید مذهبی بود افراد سکولار یا دنیوی‌گرا کم‌تر از افراد در فعالیت‌های سیاسی شرکت داشته‌اند. مطالعه‌ای که در خارج از ایران تست شوپ انجام شده است، نشان داد که افراد مذهبی نوع خاص مشارکت سیاسی داشته و از برخی از جناح‌های سیاسی حمایت می‌کنند (Fakoore, 2000). لذا می‌توان نتیجه گرفت که افراد سکولار عکس این عمل می‌کند، به بیان دیگر آنها از احزاب و تفکرات غیر مذهبی حمایت می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به اینکه حکومت در ایران متأثر از اندیشه‌های دینی و حامی رفتارهای دینی است، لذا افراد دنیوی‌گرا مشارکت سیاسی کمتری خواهند داشت. بررسی زیر مرلفه‌ها و سؤالات پرسشنامه نشان می‌دهد که افرادی که مذهبی‌تر هستند، تمایل زیادی به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارند. اما چون سیستم متکی بر اندیشه‌های مذهبی و تا حدودی بر گرفته از سنت می‌باشد، لذا زنان سنتی‌تر رغبت بیش‌تری برای مشارکت سیاسی از خود نشان می‌دهند.

زنانی که نوگراتر بوده‌اند کمتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته‌اند. این رابطه با چارچوب نظری ارائه شده همخوانی داشته است. همان‌طور که احتمال داده شد، افرادی که به ارکان سیاسی موجود اعتماد داشته‌اند، بیش‌تر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت نموده‌اند. تحقیقات پیشین نیز

این رابطه را تأیید نموده‌اند (Payne & Woshinsky, 1972; Finifter, 1970; Aberbach & walker, 1970). از دیگر متغیرهایی که تأثیر مهمی در مشارکت سیاسی داشته‌اند و احتمال آن می‌رفت که بر اساس چارچوب نظری تحقیق دارای رابطه با مشارکت سیاسی باشند. متغیرهای اعتماد سیاسی، خانواده سیاسی، تمایل به کسب قدرت و مقام بوده‌اند. داشتن حق رأی، وجود نمایندگان زن در مجلس، گسترش بیش از پیش تشکل‌های غیردولتی مختص مسائل زنان و حضور بیش‌تر در محیط‌هایی چون دانشگاه، این فرصت را به زنان می‌دهد تا با افراد بیش‌تری ارتباط داشته و از حمایت آنها نیز برخوردار باشند. مشارکت بیش‌تر زنان در جامعه موجب بالندگی و تسهیل توسعه کشور می‌شود، به تقویت هبستگی ملی زنان کمک می‌کند و از یک نوع از خود بیگانگی و جدا دانستن زنان از جامعه جلوگیری به عمل آورده است و فرد خود را جزیی از جامعه دانسته و در جهت توسعه آن تلاش می‌کند در نتیجه برای بهبود شاخص‌های توسعه تلاش بیش‌تری نموده و منابع ملی را در جهت این پیشرفت بسیج می‌نماید.

پیشنهادهات

- ۱- تمایل به مشارکت سیاسی رابطه مستقیمی با موقعیت اجتماعی زنان دارد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود شرایط به لحاظ اجتماعی و حقوقی به گونه‌ای تدارک دیده شود که زنان از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار گردند تا بر مشارکت سیاسی آنان افزوده شود.
- ۲- با افزایش میزان تحصیلات زنان، احتمال اشتغال آنان افزایش می‌یابد و این دو متغیر (تحصیلات و شغل) هر دو اثر مثبتی بر مشارکت سیاسی زنان دارد به همین دلیل پیشنهاد می‌شود شرایط به گونه‌ای مهیا شود که زمینه‌های تحصیل زنان در مقاطع بالا فراهم شود.
- ۳- با افزایش اعتماد به نفس زنان مشارکت سیاسی آنان افزایش پیدا کرده، لذا پیشنهاد می‌گردد جو حاکم بر خانواده و اجتماع به شکلی طراحی گردد که شرایط اعتماد به نفس زنان افزایش یابد. نظر به بافت تقریباً سنتی محیط تحقیق غالباً زنان از رای شوهرانشان تبعیت نموده، لذا شرایط به شکلی ایجاد گردد تا این نگاه مرد سالارانه تضعیف شود.
- ۴- بالا بردن میزان آگاهی و اطلاعات زنان در رابطه با نقش آنان در سیاست و توجه به نیازهای واقعی زنان در رابطه با نقش آنان در سیاست و همچنین بررسی و شناخت مسائل و مشکلات زنان در عرصه سیاسی و توجه به شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی زنان در سال‌های گذشته باعث رشد مشارکت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی می‌گردد.
- ۵- توجه به شاخص‌های غالب سیاسی زنان در وضعیت فعلی و خودکار آمدی و خویش‌تن بینی مثبت توسط خود زنان و همچنین فعال کردن انجمن‌ها و صنف‌های زنان در شاخص‌های مختلف توسعه با کار گروه‌های مشورتی زنان در ادارات مختلف جهت توجه به خواسته‌ها و توقعات این گروه می‌توان افزایش مشارکت زنان در عرصه اجتماع و سیاست را شاهد بود که در

جهت رشد بهتر با تشکیل سازمان‌ها و مراکز غیر دولتی زنان به منظور پیگیری خواسته‌های این گروه به این مهم دست یافت.

۶- در کشورهایی مانند ایران که زنان مشارکت را ضروری می‌دانند، اما معتقدند زمینه مناسبی برای اجرایی شدن آن وجود ندارد، می‌توان پیشنهاد می‌گردد که با اصلاح زیرساخت‌ها، فرهنگ سازی و رفع مشکلات معیشتی، مشارکت مردمی و به دنبال آن سطح سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد که خود موجب افزایش کارآمدی، کاهش تصدی‌گری، تمرکززدایی، رفع تعارضات ساختاری و افزایش پاسخگویی خواهد شد.

Reference

- Aberbach , J , D. & Walker. J. L. (1970). Political trust and racial ideology. *The American Political Science Review*, 1199-1219.
- Barary , M & Motahariasl , M & Razavi Khorasani ,S . J (2012) . The Effect of Non – Governmental Organization (NGO) on the Socio – economic Status of Women Heading Households . *Quarterly Journal of Sociology of women* . Vol . 3 , No 1 , pp . 157 – 180 . P [in Persian].
- Barbara, Burrell. (2003). *The Political Leadership of Women and Public Studes*. 5565 No.4, 7991, P.2 Journal Vol.
- Basset , P. (2001). Declining Female Lab our Force Participation, *Perspective on lab our and Income*, Vol. 6, No. 2, Summer 1994.
- Brave, Z. (2002). *women's participation and planning for sustainable development*, Olive Leaf Press.
- Fakoor, Fatima. (2000). *Women's social and political base. Especially a woman's rights*. 2.
- Finifter, B. M. (1972). The generation of confidence: Evaluating research findings by random subsample replication. *Sociological methodology*, 4, 112-175.
- Ling yang , H. (2000). Education Married Woman's Participation, Fertility and Economic Growth, *Journal of Economic Development*, Vol. 25, No. 2.
- Lipset ,S ,M. (1998). *Political Man*, New York, Free Press.
- Miller, R, L. Welford, R. &. Donoghue, F. (2006). Personal dynamics as political participation, *Political Research Quarterly*, Vol. 52, No. 2, pp. 269-291.

- Mirzaei et al. , (2011). The relationship between social and cultural factors Msr on Social Security .
- Mohseni , R , A. , et al (2013). investigating the factors that motivate participation of women in NGOs, *Women and Society Journal*, Issue 2 .
- Mokhtari et al.(2012). Social and Cultural Factors Affecting Social Security. [in Persian]
- Orum , Antony M and others (2004). Sex, Socialization and politics. *American Sociological Review*, Vol 39 (Aprill): 197-209.
- Panahi, MH (2007), sociology, women's political participation, Tehran: Allameh Tabatabai University .[in Persian]
- Panahi, Ali. (2007). Social and economic factors in the students' attitude towards women's political participation, Unpublished master's thesis, University of Shiraz.[in Persian]
- Parry , G and Moyser,G. (2002). A map of Political Participation in Britain, *Government and Opposition*, vol. pp147- 69.
- Payne , J, L. & Woshinsky, O. H. (1972). Incentives for political participation. *World Politics*, 24(04), 518-546.
- Pyshgahyrd , Z and Zhdi ghrpour, M. (2010). "The role of women in the Middle East, Political Participation" *Women in Society Quarterly* , Vol : 25-44.
- Renzenti, Clair M. and Curran, Daniel J. (1989). *Women, Men, and Society: The Sociology of Gender*. Boston: Allyn and Bacon.
- Sharif , Mohammad Reza. (2002). Introduction to the development of political culture in Iran, Tehran, published by Aperture. [in Persian]
- Sheiani , Malihe. (2005). Obstacles to the realization of its citizens in Iran, Tabatabai University sociology doctoral thesis.
- Turner, B. S. (2000). Islam civil society on citizenship: Reflections on the sociology of citizenship and Islamic studies, in N. A Butenschon et al, ed. *Citizenship and the state in the Middle East*, Syracuse University Press.
- Warren, M. E .(2002). What Can Democratic Participation Mean Today, *Political Theory*, Vol. 30, No. 5; pp, 677-701.